



عالم مجاهد شهید
آیت الله محمد صادق صدوق گلپایگانی
از پیش قراولان گمنام نهضت امام خمینی
تولد: ۱۳۰۳ - شهادت: ۱۳۴۰/۸/۴ - زندان قصر

پدرش روحانی عالیقدر مرحوم حاج شیخ «فرج الله تیکنی» که در علم و عمل، به ویژه تقوا، زبان زد خاص و عام بود. مادری پرهیزکار و اهل درایت داشت. پدرش می‌گفت: «علاقه دارم همه فرزندانم خدمت‌گزار دین و امام زمان-ارواحنا فداه- باشند». ایشان به خواست پدر، راه حوزه را برگزید. وی تحصیلات مقدماتی علوم اسلامی را در محضر آیت‌الله محمدی گلپایگانی رحمته‌الله گذراند و بعد از چندی به حوزه علمیه اراک عزیمت و پس از تأسیس حوزه علمیه در قم، به این شهر مقدس نقل مکان کرد و سال‌های متمادی در محضر اساتید بزرگ به فراگیری علوم مختلف حوزوی پرداخت. به علت هوش و استعداد و جدیت خدادادی که داشت خیلی زود به درجات شامخ علمی نائل گردید. او یکی از شاگردان برجسته حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله و حضرت امام خمینی رحمته‌الله بود و به جهت طرح سؤالات علمی دقیق، همواره مورد توجه معظم‌له بود و از طرف ایشان جهت تبلیغ به شهرهای مختلف کشور اعزام می‌شد. آن عالم مجاهد از طرف حضرات آیات عظام بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، خوبی، اراکی، مرعشی نجفی و ... دارای مجوزهای متعدد شرعی بود و با توجه به توان علمی ارزشمندی که داشت، طلاب بسیاری در محضر ایشان به تحصیل می‌پرداختند. ایشان از جمله روحانیون آگاه، شجاع و پر شور و خستگی ناپذیر بود. با توجه به آن که هنوز شعله‌های انقلاب مشتعل نشده بود، به ارشاد و روشنگری مردم می‌پرداخت و از هر فرصتی برای این امر بهره می‌برد. در ایام حقیقان دوره ستم‌شاهی، صراحت بیان و شجاعت کم نظیر آن شهید بزرگوار، از وی چهره‌ای انقلابی ساخته بود. ایشان ضمن افشاکاری نسبت به جنایات رژیم پهلوی در منابر و مباحث، مردم را از نظرات حضرت امام خمینی رحمته‌الله در مورد حاکمیت غیر قانونی شاه آگاه می‌کرد. به همین جهت مورد خشم رژیم طاغوت قرار گرفت. چندین بار توسط ساواک دستگیر و به شهرهای مختلف تبعید شد؛ ولی حمایت حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، مانع از آزار جدی به او می‌شد. بعد از رحلت معظم‌له شهید صدوق در قم و شهرستان‌ها و در مراکز تبلیغ بارها از امام خمینی رحمته‌الله به عنوان بهترین دانشجویان آیت‌الله بروجردی یاد می‌کرد و احکام را طبق رساله حضرت امام رحمته‌الله بیان می‌نمود تا آن که توسط ساواک دستگیر شد. در آخرین دستگیری‌اش، مأموران رژیم طاغوت به منزل ایشان هجوم بردند و کتابخانه شخصی‌اش را که دارای کتاب‌های باارزش و نفیس و برخی اسناد مهم و مجوزهای شرعی تفویض اختیار مراجع معظم وقت را همراه خود بردند و برخی را هم به آتش کشیدند. آن شهید بزرگوار تا مدتی به صورت انفرادی در زندان قم بازداشت بود و سپس به زندان قصر تهران منتقل شد. شهید صدوق به امام خمینی و اندیشه‌های انقلابی ایشان عشق می‌ورزید. او در راه زمینه‌سازی انقلاب اسلامی بسیار کوشید و زندان‌ها، هجرت‌ها و زجرها و شکنجه‌های فراوانی را تحمل کرد و دشوارتر از آن، تهمت‌ها و حرف‌های ناروایی بود که از سوی بدخواهان و روحانی‌نماهای طاغوتی علیه او اعمال می‌شد؛ اما ایشان مقاومت می‌کرد و سرانجام با آن همه مبارزه، فداکاری، مجاهدت و ایستادگی، در تاریخ چهارم آبان ۱۳۴۰ در سن ۳۷ سالگی، در زندان قصر پس از تحمل شکنجه‌های فراوان عمال طاغوت، مظلومانه و غریبانه به فیض شهادت نائل گردید. پس از شهادت آن روحانی مبارز، رژیم طاغوت برای حفظ آبرو و عدم رسوایی هر چه بیشتر، حاضر به تحویل پیکر مطهرش به خانواده‌اش نشد و مانع برگزاری مجالس ترحیم در مدرسه فیضیه و مساجد شهر مقدس قم شد. علیرغم پیگیری‌های متعدد، نشانی از محل دفن آن شهید بزرگوار یافت نشد و تاکنون نیز بی‌نشان مانده است.



سردار پاسدار شهید عبدالعلی علیشاهی
تولد: ۱۳۴۰ - شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ - شلمچه

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «امت حزب‌الله در راهی قدم برمی‌دارد که تمام انبیا و ائمه دین علیهم‌السلام در پی انجام آن بودند و بدیهی است تمامی شیاطین کوچک و بزرگ و همه کفار و منافقین و مترفین و مستکبرین در برابر آن صف کشیده و برای ممانعت از تحقق آرمان‌ها و اهداف جهان‌شمولش به انواع توطئه‌ها و کارشکنی‌ها و از همه مهم‌تر به جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی دست زدند. لذا ای ملت قهرمان و مسلمان ایران! امروز رسالت ابراهیم علیهم‌السلام، موسی علیهم‌السلام، عیسی علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر دوش شماست و باید پرچم توحید را بر بام گیتی به اهتزاز درآورید و تمام بت‌ها، سحرها، جهالت‌ها و بردگی‌ها را از صفحه روزگار بردارید و برای تحقق این آرمان‌ها بی‌گمان با نمرودها، فرعون‌ها، بنی‌اسرائیل‌ها، ابوجهل‌ها و ابولهب‌ها (البته در نوع مدرن و پیشرفته قرن اتمی‌اش) مواجهه خواهید بود. و بالاخره شما باید راه حسن علیهم‌السلام و حسین علیهم‌السلام را در پیش بگیرید. و شما امت قهرمان اسلام با توجه کامل به عمق توطئه پلید و شوم دشمنان اسلام و با ایمان راسخ به اهداف والای الهی خویش و راه و رهبری که برای رسیدن به آن هدف برگزیده‌اید، همچنان محکم و استوار و مقاوم و پایدار در برابر تهاجم گسترده دشمنان اسلام بایستید.»



شهید محمد حسین سخایی
تولد: مرداد ۱۳۳۵ - شهادت: ۱۳۶۱ - عملیات رمضان - طلائی

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «برادران و خواهران! از آنجا که انقلاب اسلامی ایران می‌خواهد تمامی محرومین و به بندکشیدگان را از زیر یوغ استعمار و استثمار و استبداد بیرون آورد و ندای اسلام را به تمام جهان برساند، می‌بینم که آمریکا با توطئه علیه ایران و سرزمین اسلام می‌خواهد اسلام را نابود کند. در این زمان بر همه مردم به ویژه مسلمانان واجب است که از شئون اسلامی خود دفاع کنند و در این راه جان خود را فدای اسلام نمایند و در اینجا جوان نقش مهم‌تری باید داشته باشند... تا از خودگذشتگی جوانان و مردم نباشد، اسلام حفظ نمی‌شود.»



شهید محمد سخایی
تولد: ۱۳۳۶ - شهادت: تیرماه ۱۳۶۱ - شلمچه

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «پیام ما به همه ملت این است که از ولایت فقیه تا آخرین قطره خون ناچیزمان دفاع کنیم. توصیه‌ام به برادران و خواهران این است که هرگز روحانیت را تنها نگذارند؛ همان روحانیتی که به عنوان ورثه الانبیاء لقب گرفته و مبارزاتش بر اکثر ملت عزیز روشن است. نصیحتم به همه برادران این است که تقوا را نصب العین خود قرار دهید و از انجام کاری که در آخر با پشیمانی روبرو می‌شوید، صرف نظر کنید.»



شهید محمد هادی
تولد: ۱۳۱۵ - شهادت: تیرماه ۱۳۶۱ - سرپل ذهاب

در روستای تیکن دیده به جهان گشود. در نوجوانی به خاطر ضعف مالی خانواده، مجبور شد به تنهایی برای کار به گلپایگان برود. بعد از چند سال و برای یافتن شغلی مناسب‌تراهی تهران شد. در تهران در کارخانه‌ای کارش را شروع و همان جا ازدواج کرد. بعد از بازنگشتگی باز هم از فعالیت و تلاش دست نکشید تا این که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، فعالیت ایثارگانه خود را در قالب یک بسیجی آغاز کرد. چند ماهی از شروع جنگ تحمیلی نگذشته بود که به عنوان یک بسیجی به جبهه‌های غرب اعزام شد. سرانجام بعد از ۲۰ ماه ایثارگری در سال ۶۱ به دست مزدوران کوردل به شهادت رسید.



شهید مصطفی هادی
تولد: ۱۳۴۳ - شهادت: ۱۳۶۲/۷/۲۱ - بوکان

فرازی از وصیت‌نامه شهید: «دوستان و رفقایم! توصیه می‌کنم که حتی المقدور نگذارید چراغ حیات خاموش شود و نسبت به بقا و پایداری آن کوشا باشید. شب‌های جمعه در دعای کمیل و دعا‌های دیگر من را یاد نیز کنید. ما هر چه داریم از حسین علیهم‌السلام و انقلاب عاشورای حسین علیهم‌السلام داریم و کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی و انقلاب ایران قد علم کرده‌اند و به خیال باطل فکر می‌کنند، می‌توانند خدشه به انقلاب وارد نمایند. آخر ما تنها نیستیم. ما خدا را داریم و حسین علیهم‌السلام را و امام زمان علیه‌السلام را و تا زمانی که وحدت‌مان را حفظ کنیم و پیرو ولایت فقیه باشیم، هیچ آسیبی به ما نخواهد رسید.»



شهید علیرضا علیشاهی
تولد: ۱۳۴۶ - شهادت: ۱۳۶۲ - مریوان

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «ای حسین جان! اگر نبودم در کربلا یاری‌ات کنم و به ندای هل من ناصر تو پاسخ دهم، اکنون به ندای هل من ناصر فرزند زهرا، خمینی، پاسخ داده‌ام! ای ملت! استغفار و دعا را از یاد مبرید و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید که خدا حافظ شماست و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد و ورثه انبیاء جدا نکنند که اگر چنین کردند، شما شکست خواهید خورد.»



شهید عباس حسن پور
تولد: ۱۳۴۱ - شهادت: ۱۳۶۲/۸/۱۰ - پنجوبین عراق

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «اگر چه دنیا زیبا و دوست‌داشتنی است، دنیا آدم را به طرف خودش می‌کشد؛ اما خانه پادشاهی الهی، خانه آخرت خیلی از دنیا زیباتر است، خیلی از دنیا بالاتر و عالی‌تر است. و اگر این بدن‌های ما ساخته شده است که آخر کار بمیرد، پس چرا در راه خدا قطعه قطعه نشود ...

از برادران عزیز می‌خواهم که تمام هستی و زندگی خود را در راه پاک اسلام فدا کنید و خط حزب‌الله را -که همان خط امام است- رها نکنید و از خواهران عزیز می‌خواهم که زینب‌وار در این جریان توفنده و ظلم‌برانداز انقلاب، همگام با امام عزیزمان و در خط او حرکت کنید و سختی‌ها شما را از راه خارج نکنند.»



شهید محمدعلی هادی
تولد: ۱۳۴۴ - شهادت: ۱۳۶۲ - پنجوبین عراق

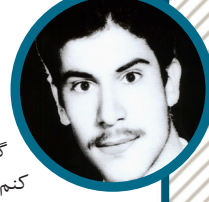
فرازی از وصیت‌نامه شهید: «ای مهدی عزیز! ای فرمانده جبهه‌ها! در لحظات آخر سرمان را در آغوش گیر. ما جز دامان تو پناهی نداریم. خدایا! چه با شکوه است لحظات آخر با یکدیگر خداحافظی کردن و همدیگر را در آغوش گرفتن و طلب شفاعت در آخرت کردن! خدایا! تو شاهی که بطور ضجه‌ها و فریاد‌های این عاشقان در دل شب سنگ را از اندوه می‌شکافد! خدایا! تو خود شاهد باش این عارفان چون پرنده‌ای اسیر در قفس این طرف و آن طرف بال می‌زندی و با چشمان اشک‌بار و پر از حسرت فضای بیرون را می‌نگرند! چه لذت‌بخش است لحظه دیدار معشوق... من از آن لحظه‌ای که تصمیم به جبهه آمدن گرفتم، در خودم شهادت را یافتم. و شما برادرانم در سنگر علم و دانش با درس خواندن، انقلاب را به پیش ببرید و نگذارید در محیط علم و دانش فساد رخنه کند و جامعه و فرهنگ را از درون یوسیده نماید. ان شاءالله با درس خواندن تان قلب امام زمان علیه‌السلام را شاد کنید.»



شهید محمدابراهیم هادی
تولد: ۱۳۱۶ - شهادت: ۱۳۶۴ - جزیره مجنون

دوران کودکی را در خانواده‌ای متدین در تیکن گذراند. از طریق کلاس‌های درس روستا، توانست تحصیلات ابتدایی را فرا گیرد. به خاطر مشکلات اقتصادی خانواده، در دوران نوجوانی به همراه برادر بزرگ‌ترش برای کار گچ‌کاری به تهران رفت. همان جا ازدواج کرد و به شغل ادامه داد.

هم‌زمان با مبارزات انقلابی علیه رژیم پهلوی، او هم در کنار دیگر انقلابیون در راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های انقلابی شرکت می‌کرد. بعد از انقلاب با فرمان امام خمینی رحمته‌الله مبنی بر آغاز فعالیت‌های سازندگی، به عنوان جهادگر راهی مناطق محروم و دورافتاده کشور رفت و به تلاش و سازندگی پرداخت. همین امر باعث شد تا در منطقه شرق کشور بر اثر یک حادثه از ناحیه پا آسیب ببیند و به تهران برگردد. به خاطر آن احساس مسئولیتی که نسبت به انقلاب و اسلام داشت، از طریق بسیج به جبهه‌های نبرد شفافیت و سرانجام در منطقه غرب خوزستان در جزیره مجنون آسمانی شد.



شهید حجت الاسلام اسدالله هادی
تولد: ۱۳۴۴ - شهادت: ۶۴/۱۱/۲۷ - فاو

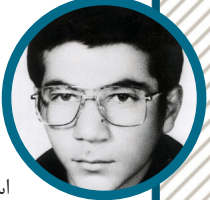
فرازی از وصیت‌نامه شهید: «... وقت آن رسیده که ندای اسلام به گوش جهانیان برسد، زیرا اسلام دین جهانی است و برای سعادت و سیادت ملت‌ها از طرف خداوند تبارک و تعالی نازل گشته است. ای مادرا! من برای خدا و رضای او به جبهه رفتم تا اسلام و لشکریان اسلام را یاری کنم و تا سرحد شهادت به ندای حسین زمان خود لبیک گویم...

ای برادرانم و ای خواهرانم! شما می‌دانید که من ذلیل، هیچ سهمی در پیروزی انقلاب اسلامی نداشتم؛ لذا نباید بنشینم و بگویم این انقلاب برای من چه کرد؛ بلکه باید بگویم من برای انقلاب چه کردم! ای خواهر مسلمان! وصیت من به شما این است که حفظ حجاب کنید و به قول رهبر کبیر انقلاب؛ حجاب شخصیت زن است.»



شهید مصطفی سخایی
تولد: ۱۳۴۶/۱/۹ - شهادت: ۶۴/۱۲/۲ - دزفول

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «وصیت من به امت شهیدپرور ایران این است که پیرو خط امام و ولایت فقیه باشند و نسبت به مسائل کشور بی‌تفاوت نباشند و با کمک هر چه بیشتر خود به جبهه‌ها و مقاومت در برابر کمبودهای زندگی، قلب امام زمان علیه‌السلام را از خود راضی و خشنود سازند.»



شهید عباسعلی علیشاهی
تولد: ۱۳۴۷/۱۲/۱ - شهادت: اسفند ۱۳۶۴ - فاوکارخانه نمک

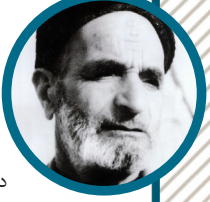
گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «خدایا! می‌دانی که چه می‌کشیم! ما از مردن نمی‌هراسیم؛ اما می‌ترسیم بعد از ما ایمان را سر ببرند! خدایا! عجب دردی! چه می‌شد امروز شهید می‌شدیم و فردا زنده می‌شدیم تا دوباره شهید شویم تا اجر شهادت هزار بار نصیب‌مان شود... استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان هاست. همیشه به یاد خدا باشید و و در راه او قدم بردارید. هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند. صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید. و شما خواهران امت حق! حجاب‌تان را حفظ کنید، زیرا که سیاهی چادر شما از خون سرخ من کوبنده‌تر است.»



شهید حجت الاسلام علیرضا زالی
تولد: ۱۳۴۵ - شهادت: ۱۳۶۵ - مهران

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «شهادت فوز عظیمی است که نصیب هر کس نمی‌شود و خداوند بهترین افراد را گلچین می‌کند. شهادت در راه خدا آرزوی قلبی من بوده است و همیشه از خدا می‌خواهم مرا از شهدای درگاهش قرار بدهد.

من از شما می‌خواهم مواظب باشید احکام اسلامی در خانه کاملاً رعایت شود. می‌خواهم از غیبت و تهمت دوری کنید. از شما می‌خواهم که سعی کنید هر روز در اصلاح خودتان بکوشید و نماز شب را به پا دارید که نماز شب گناهان روز را پاک می‌کند. هیچ گاه دعای کمیل را ترک نکنید تا هر هفته گناهان‌تان بخشیده شود. زیرا انباشته شدن گناهان باعث سیاهی قلب می‌شود و هر چه بیشتر گناه روی هم انباشته شود، راه توبه سخت‌تر می‌گردد.»



شهید رضا سخایی
تولد: ۱۳۰۲ - شهادت: ۱۳۶۵/۸/۷ - پادگان الله اکبر

پس از طی دوران کودکی و خدمت وظیفه، به کشاورزی و دامداری مشغول شد. هرگز لحظه‌ای از کار و تلاش نایستاد. پس از شهادت پسر عمو و برادر همسرش، شهید «عباس حسن پور»، شیفته جبهه‌ها و برای کمک به زرمندگان اسلام راهی کردستان و ایلام شد. پس از ماه‌ها حضور در جبهه، بر اثر بمباران پادگان الله اکبر به فیض شهادت نائل آمد.



شهید قاسمعلی علیشاهی
تولد: ۱۳۴۷ - شهادت: ۱۳۶۵ - خرمشهر

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «از شما ملت می‌خواهم که پشتیبان امام باشید. در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید... مبارزه کنید با فساد روی زمین، شهرها را بسازید. نگذارید مفسدان از موقعیتی که ما در جنگ هستیم، استفاده کنند و با رواج بی‌حجابی و کشاندن جوانان به سوی فساد، ریشه انقلاب را بیوسانند. با حفظ حجاب بردهان مفسدان بزنید. ای خواهران حزب‌الله! با حفظ حجاب خود، صدای منافقان و ستمگران را در گلویشان خفه کنید. نمازجمعه‌ها را برگزار کنید. مسجدها را خالی نگذارید. شما ملت به خانواده‌ی شهدا احترام بگذارید. کاری نکنید که آنها دلسرد شوند».

شهید محمدحسن زالی

تولد: ۱۳۴۳ - شهادت: اردیبهشت ۱۳۶۱ - خرمشهر

در روستای تیکن از توابع گلبایگان در خانواده‌ای متدین متولد شد. بعد از دوره ابتدایی، به علت اوضاع نامناسب اقتصادی، همراه با خانواده عازم تهران شد تا در آنجا بتواند علاوه بر یافتن شغل و کسب درآمد کافی، زمینه را جهت ادامه تحصیل خود و دیگر خواهر و برادرانش فراهم سازد. تحصیلات راهنمایی را در تهران آغاز کرد؛ اما احساس مسئولیت نسبت به خانواده، محمدحسن را بر آن داشت تا پس از اتمام دوره راهنمایی، او هم قسمتی از بار مشکلات خانواده را بر دوش کند. دوران متوسطه را در یک مدرسه شبانه آغاز کرد. روزها برای کمک به وضع معیشتی خانواده، کارگری می‌کرد و ساعت‌های اولیه شب به مدرسه شبانه مشغول درس بود. از آنجا هم به پایگاه بسیج مالک اشتر افسریه رفت و تا صبح به فعالیت می‌پرداخت. فقط برای خوردن غذا و کمی استراحت به خانه می‌آمد. بیشتر وقتش را در بیرون می‌گذراند. زمزمه رفتن به جبهه، ورد زبانش شده بود؛ ولی به خاطر سن کمش او را نمی‌بردند. بالاخره با دستکاری در شناسنامه‌اش از طریق پایگاه بسیج محل عازم جبهه‌های نبرد شد. سرانجام در اولین روزهای اردیبهشت سال ۶۱ در منطقه عملیاتی خرمشهر به شهادت رسید.

شهید مرتضی علیشاهی

تولد: ۱۳۴۷ - شهادت: ۱۳۶۵ - شلمچه

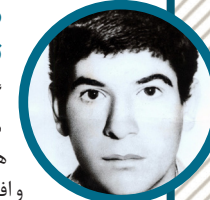
گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «به شهدا فکر می‌کنم؛ آنهایی که رفتند و وظیفه‌ی ما را سنگین‌تر کردند. خدایا! قدر عقب مانده‌ام! عقل سقیم ما با قلب سلیم آنها فاصله زیادی دارد، فقط تو می‌توانی ما را کمک کنی. با این وجود چه بنویسم. هر چه را فکر می‌کنم، شهدا گفتند و عمل کننده می‌خواهند... امت حزب‌الله! تقوا را پیشه کنید و از خدا بترسید. به ریسمان الهی جنگ بزنید و اتحاد داشته باشید. جهاد را سبک نشمارید. قدر امام را داشته باشید. و شما ای جوانان و دانش‌آموزان! نماز را سبک نشمارید. برای اسلام باید از جان خود گذشت. برای اسلام و این انقلاب دل بسوزانید... گوش به فرمان امام باشید. هر چه می‌توانید در راه اسلام خدمت کنید. از این تن و بدن برای اسلام استفاده کنید. کار بکنید برای انقلاب و تا جنگ بین اسلام و کفر وجود دارد، سنگر اسلام را رها نکنید و تنها از خدا بترسید و دل از دنیا بکنید و یاد آخرت باشید. وصیتیم به شما خواهران این است که حجاب‌تان را حفظ کنید؛ چون جامعه از منکرات و فساد به وسیله بی‌حجابی پر می‌شود. به همه بانوان پیامیزد که حجاب را نگه دارند».



شهید داود جمالی

تولد: ۱۳۴۵/۷/۱۵ - شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۰ - شلمچه

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «همه را به اطاعت از خداوند و رهبر انقلاب دعوت می‌کنم و از برادران می‌خواهم راه شهیدان را ادامه بدهند. و از خواهران می‌خواهم که حضرت زهرا(سلام اله علیها) را الگوی عملی خود قرار دهند. در پایان از پدر و مادر می‌خواهم که از شهید شدن من ناراحت نشوند و شیون نکنند، مبادا که دشمن مان شاد شود».



شهید محمدرضا سخایی

تولد: ۱۳۵۰ - شهادت: ۶۷/۱/۲۸ - فاو

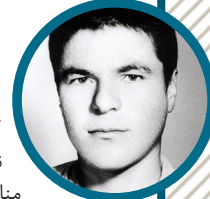
گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «خدایا! تو خود می‌دانی که من آماده‌ام آن چه را که تو خود به من داده‌ای در راه عشقی که به تو درم، نثار کنم. آری، الگوی جاوید یک انسان مؤمن، رهایی از هوا و هوس‌ها است که من این الگو را دوست دارم و حال برای مرگ آماده‌ام و خوشحال هستم و افتخار می‌کنم که در چنین راهی شربت شهادت را بنوشم... سفارش من به شما برادران و خواهران، حفظ حجاب و نگاه است».



شهید علیرضا غفاری

تولد: ۱۳۴۷ - شهادت: ۱۳۶۶/۸/۳ - گیلان غرب

همیشه در امور خیر پیش قدم بود. وقتی انقلاب با خون شهیدان بارور شد، علیرضا عضو بسیج پایگاه شهید چمران واقع در مسجد آیت‌الله بهبهانی محله «سریپولک» تهران شد. در گرما و سرما شب‌های زیادی را به پاسداری از محله‌ها و مغازه‌ها و حراست از منازل مردم گذراند. بعد از مدتی به خدمت کمیته انقلاب اسلامی بازار درآمد و به فعالیت‌های انقلاب خویش ادامه داد. او در پایگاه بسیج به نوجوانان آموزش اسلحه می‌داد. بنا به تقاضای خودش برای درگیری با دشمنان دین و وطن به سفر اعزام شد و مدت سه ماه با دشمن دین جنگید. بعد از اتمام مأموریتش به پایگاه مالک اشتر تهران برگشت و فعالیت خود را از سر گرفت. بعد از مدتی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شده و از طرف این نهاد مقدس راهی اهواز گشت. بعد از دو ماه به قراقره رمضان اعزام شد و در قسمت موتوی، با آمبولانس به حمل و نقل مجروحان پرداخت. ۸ ماه از خدمتش در سپاه نگذشته بود که در تاریخ ۶۶/۸/۳ هنگام نجات دادن جان گروهی از برادران رزمنده، به درجه رفیع شهادت نائل آمد.



شهید محمداسماعیل علیشاهی
تولد: ۱۳۴۸ - شهادت: ۱۳۶۶/۱۰/۱۳ - فاو

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «در رأس حکومت ما یک مرجع تقلید حاکم است و قوانین کشورمان اسلامی است. دشمنان از همین می‌ترسند و برای همین است که از اول انقلاب نوکران شان در داخل کشور اسلامی مان جنایت می‌کنند و در کردستان جنگ به راه انداختند و منافقین از خدا بی‌خبر شخصیت‌های ما را شهید کردند که دین ما مسلمانان را از بین ببرند؛ ولی آنها کور خوانده‌اند! که ملت ما بیدار است و به فرمایش امام امت: «ما مانند شیشه هستیم، اگر ما را بشکنند، تیزتر خواهیم شد». وصیتیم به برادران این است که تا زنده هستند از یاری دادن به امام امت دست برندارید که این یک نعمت است که خداوند به ما داده».



شهید محمدعلی سخایی

تولد: ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ - شهادت: ۱۳۶۷/۶/۱۸ - سقز

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «از تمامی این امت خواستارم تا از دین اسلام دفاع کنند... اگر به شهادت رسیدم، قبل از آن مرا در خاک نهدید، به مردمان بگویید که هر کس حق به ذمه من دارد، یا بگیرد یا حلال کند. من این را از شما می‌خواهم تا در دیدار با خداوند آسوده خاطر باشم. مادرم! اگر چه در زمان کودکی تا جوانی‌ام چه بسیار زحمت‌ها و مارت کشیده‌ای؛ اما بدان همان خدایی که مرا می‌برد، تو را پاداشی بالاتر از همه پاداش‌ها خواهد داد. و تو ای پدرم که بر این رخ‌ها و سختی‌های بسیار کشیده‌ای تا مرا جوانی قابل به این اجتماع تحویل دهی! صبر پیشه کن و پیام مرا به تمام اطرافینان برسان تا خون تمام شهیدان اسلام به ناحق پایمال نشود!».



شهید مرتضی سامی

تولد: ۱۳۴۷ - شهادت: ۱۳۶۷/۱۱/۲۱ - فاو

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید: «خداوندا! گناهانم زیاد است؛ اما این را می‌دانم که کریم و بخشنده هستی. من امیدم به کرم و بخشش توست؛ مرا نا امید نکن. ای مسلمان! اگر می‌خواهی به اسلام و قرآن و به مملکت اسلامی‌ات آسیبی نرسد، پشتیبان ولی فقیه باش، زیرا نافرمانی از او نافرمانی از خداست. اگر احیاناً کمبودی وجود دارد، برای رضای خداوند تحمل کنید و ایراد نگیرید».



شهید رضا(احمد) سخایی

تولد: ۱۳۴۰ - شهادت: ۱۳۸۲/۳

در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. سال ۵۹ به خدمت سربازی اعزام شد. پس از آن در سال ۶۱ به صورت داوطلبانه به مدت ۱۰ ماه به عنوان بسیجی از طرف سپاه گلبایگان به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شد. در سال ۶۲ به عضویت رسمی سپاه درآمد و مدت ۹ ماه در جبهه‌های جنوب و غرب در قسمت پدافند و رزمی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) خدمت کرد و در عملیات کربلای ۵ به درجه رفیع جانبازی نائل آمد. ۱۷ سال با درد و رنج به فعالیت خود در سپاه تهران ادامه داد. سرانجام در سال ۸۲ در سن ۴۱ سالگی به هم‌زمان شهیدش پیوست.

این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگنید و مطالعه کنید و فکر کنید.

امام خمینی (ع) - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳۲



این وصیت‌نامه‌هایی که امام می‌فرمودند بخوانید، من به توصیه ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هرچه از این وصیت‌نامه‌های همین بچه‌های شهید به دستم رسیده، غالباً من این‌ها را خوانده‌ام. چیزهای عجیبی است. ما واقعا از این وصیت‌نامه‌ها درس می‌گیریم.

مقام معظم رهبری (ع)

کتاب «شهادت» از انتشارات «کتابراه» - تهران



شهادت در راه کهنشهرت

گرامی باد، یاد و خاطره عالم مجاهد شهید آیت الله صدوق گلبایگان و ۲۵ شهید گرانقدر هشت سال دفاع مقدس - روستای تیکن گلبایگان